**مصاحبه با (APrivateKabul)**

**تاریخ: 27 مارچ، 2018**

**محل مصاحبه: چهارراهی حاجی یعقوب**

ک: خب شروع می کنیم. اسم‌تان [نام مصاحبه دهنده]، درست است؟ تاریخ امروز چند است؟

ع: در تاریخ عیسوی هشت است

ک: نی، در تاریخ عیسوی 27 است. بیست و هفتِ سه دو هزار و هجده است.

شرکت که خصوصی است نی؟

ع: بله، خصوصی است

ک: درست. داخل کابل است؟

ع: نه

ک: در پروان است؟! درست.

خب [نام مصاحبه دهنده] عزیز. سوال اولم این است که خودت ...خود شرکت یعنی ... من چهار چیز دارم، چهار کتگوری و ازیشان می توانم مصاحبه بگیرم در یک شرکت تولیدی. درست؟ کارگر است، مثلا سهام‌دار است و مثلا سرمایه‌گذار است، و مدیر است. خودت مدیر هستی؟ سرمایه‌گذار هستی؟ سهم‌دار هستی؟ ...

ع: سرمایه‌گذار هستم. معاون شرکت هستم.

ک: شرکت در اول که تأسیس شد کدام سال تأسیس و چند سال می شود که تأسیس شده.

ع: سال 92 تأسیس شد و دو سال خوب فعالیت داشتیم

ک: 1392؟

ع: 1392. تا 1393 خوب فعالیت داشتیم

ک: خو خو ...

ع: ما خوب تولید داشتیم. پیشرفت داشتیم. بعض کارها که بود ما به خوبی انجام دادیم. تولید داشتیم. ساختمانی و سرک سازی و ای چیزها. بعد ازو ما ... بحران سرِ ما بسیار ذیق آمد. پولی که داشتیم مصرف ده فابریکه شد. و ما دیگه سرمایه نداشتیم روی به تولید بریم. پولی هم که داشتیم همراهِ قرارداتیِ که کار کرده بودیم او بند انداخت و تا امروزه ما صاحب او پول هم نشدیم و دیگه برشکست شدیم.

ک: او ره باز حتما از خودت پرسان می کنم.

در قسمت سرمایه‌ی اولیه، سرمایه خصوصی بود؟ یعنی دولت یا کدام نهاد غیردولتی، ان.جی.او یا ...

ع: هیچ کسی به ما کمک نکرده فقط ما ...

ک: خصوصی بود؟

ع: سرمایه ... ده ایران کار می کردیم، کارِ ساختمانی. و ای قالب های هم که آوردیم از ایران ...

ک: از ایران آمده

ع: و تجهیزاتی که هم داریم مکمل ایرانی است

ک: یعنی کاملا خصوصی بوده

ع: خصوصی، مکمل. هیچ کسی به ما همکاری نداشت

ک: درست. امممم. در حسابِ مصارف تولید، درست است؟! یکی خو شما سمنت ره می خرین، به کارگر پول می تین، کرای کارخانه ره میتین، ترانسپورت، این و آن! به ... در این حساب [امممم] ایطو یک تخمینی در ذهنت وجود داره، یعنی شما ... آماری وجود داره برتان که مصرفِ ... فرض کنم، معاش کارگر ایقه شد، کرای کارخانه ایقه شد، ترانسپورت ایقه مصرف آمد

ع: ای ره باید از مدیرِ ما پرسان شوه چون پیشِ ازو اس ... مه اگر چه برشکست هم شدیم مدیرم ...یک کارمندم است کتم. همو مصارفه هم داریم، مشکل نیس. ولی بعضِ کارهای خُرد [سکته‌گی] جزئی داریم. ایطو نیس که [عدم ادامهِ جمله]. ولی برشکست، خوب صحیح ورشکست شدیم. از دو 2014 گفته، انتخاب گفته ... انتخابات گفته. فعلا که نو شهرک‌ها اس که رویش کار کده راهیستیم، امید به خداس که چی میشه.

ک: او مصارفی که است پیش مدیرتان است؟

ع: مدیرِ ما اس، داره. چقه ما مثالش در این سال ها مصرف کدیم و پول ما چقه بود که آمده بود از اول و سرمایه‌ی ما مشخص اس که از چند نهادی بود از چی بود و بس. از هیچ نهادی نیس پول البته. شخصی از خودِ ما بود.

ک: درست درست. در تکنالوژیِ که استفاده می کنین، در تکنالوژی خود کارخانه، تکنالوژی دستی است یا اتومات اس. مثلا در قسمت قالب ریزی و ...

ع: سیستم برق اس ... مکمل. ما مثال، مکسرهای برقی داریم و بیبلاتور داریم. باز انتقالات هم کرند [crane] اس که تجهیزات گرانگِ ما که تولید میشه انتاقل میته. سیستم حوض داریم، برق داریم. کلِ چیز داریم. از او لحاظ بی غم هستیم

ک: از او لحاظ، مثلا، خود همی مرحله‌ی تولید، درست است؟ مرحله اتوماتیک اس؟ برقی اس یا این که دستی اس؟

ع: برقی اس، برقی.

ک: کاملا!

ع: کلِ تجهیزاتِ ما برقی اس. یک ریختی که ده پایه می کنیم او طبعا ده سرِ کراچی برده میشه ده قالب ریخته میشه. ولی مخلوطی که می کنیم ... وقتی ریگ و چیز که مکس میشه، ده چیز میشه، ده مکسر میشه. مکسرهای برقی داریم ما.

ک: درست درست.

خُب [نام مصاحبه دهنده] جان، حالی آمدم سر مرحلهِ ... مثلا، اینجا یک ... تحقیقِ مه یک گوشه‌اش داره بالای جامعه‌شناسی اقتصادی است. درست است؟!

خودت قبل از این که وارد این کار شوی گفتی در ایران بودی، نی؟ کارگر بودی؟

ع: کاریگر بودم

ک: درست. پس از لحاظ طبقات اجتماعی خود را در کدام بخش حساب می کردی؟ در بخش فقیر، در بخش متوسط، در بخش پولدار؟ خوده چی فکر می کردی، چی احساس می کردی؟

ع: مه احساسِ ای ره می کدم که مه آیندیم بهتر شوه، یک چند ته کاریگر داشته باشم. پیشرفت کنم و به وطنم خذمت کنم. در ضمن که ما سی سال سابقهِ کاری در ایران داریم، از پدر. از اونجه ما کار کردیم آمدیم اینجه ... مه سامانِ برقفروشی بودم مه. مه سامان الات برق و تجهیزاته، از ایرن و ای جایا که می آوردند مه خریداری می کدم. تا او وقت پولمه بند نکده بودم ده هیچ فابریکه ای، چیزی! بعد از سال 92 مه ای پول ها را بند کدم ده فابریکه که اینه مثالش، قالب اس، کرند اس، و ای چیزها شد. اینها ره پس انتقال دادم. مه اینها ره تهیه کدم که ... کارِ ما، رشتهِ مه برق بود. البته درس هم نخاندیم، برقه! ولی خو مه گفتم که همی راه خوب اس. افغانستان فعلا یک هزار [سکته] چیز ... صد فیصد هم برق نداره همیالی ... هشتاد ...چیز ... شصت فیصد برق نداره همیالی. بیست فیصدِ ما برق نداره. گفتم، ای هشتاد فیصد تا برق می گیره، ای فابریکه فعال باشه، ای کاریگرها، امشالله که یک جایی میرسیم. اما دیدم که هیچ ... فعلا همیطو برشکست هستیم.

ک: خو خو خو

پیش از این که شروع به کار کنین، درست است [سکته] به خاطر وقت گذارنی، به خاطر ساعتتیری به خاطر مثلا ... به چی، چی فعالیت هایی می کدی ده روزمره ...مثلا، چیزی تغییری ده او فعالیت ها آمده؟ یا همان چیزی که قبلا بود حالی هم اس؟

ع: نی نی نی. مه از او کده ذیقتر هم شده ...

دیگه، سابق میرفتیم یک فوتبال هم بازی می کدیم یک چیزی، حالی ایقه سرگردان شدیم که سرما ره خاریده نمیتانیم. دیگه، ازی لحاظ، روزگار اس که میایه باز طبعا از ساعتتیری و گشت و گذار می مانی.

ک: یعنی همراه دوست و رفیق های که قبلا می گشتی ...

ع: از اوها بییخی خلاص اس. نی، اوطو ولگشتی ره خو هیچ وخت نمی کنم و نی کدیم.

ک: نی، منظورم تفریح سالم اس که یعنی همراه ...

ع: تفریح سالم می ...[سکته] نمی کنیم ...او وخت می رفتیم مثلا صیاد و ای جاها می رفتیم. حالی ایله به همی زندگی ...او وخت مجرد بودم، ده سال میشه عروسی کدیم. دیگه، پیش ازی که ایجه باشم، ده ای سرمایه گذاری کنم، عروسی کده بودم. ازی لحاظ بیغم بودم. یگان خوشگذارنی ایسو و اوسو می رفتم. دیگه، طبعا ده ای سال ها بیخی ذیق شده کارما.

ک: از حسابِ محل زندگی تان، قبلا ده کجا زندگی می کدین، از اونجه تغییر دادین ده جای بهتر رفتین، ده جای خرابتر رفتین، چی رقم؟

ع: مه سابق خانه داشتم ده پروان. اوجه زندگی می کدم. باز، ای شرایط که سر ما آمد، خانهِ مام فروخته شد. فعلا ده خانه کرایی زندگی می کنم. ها، فعلا ده خانه کرایی زندگی می کنم. مه دو فامیل دارم، یکیش پروان اس، یکیش هم کابل اس، تایمنی میشینن.

ک: پیش ازی که، پیش از سال نود و دو، ده پروان زندگی می کدین؟

ع: پیش از او ده پروان زندگی می کدیم

ک: یک خانه داشتین؟

ع: یک خانه داشتم خوب صحیح دیگه. همیطو دیگه [لبخند] ... فروختمشه

ک: اولاد خو دارین حتما. اولادها ده مکتب میرن.

ع: بله مکتب میرن

ک: ده مکتب دولتی میرن، ده مکتب خصوصی میرن؟

ع: یکی دولتی میره، دخترک کلانم. خُرد بچه اس، بیرن نشه، شرایط ... بچه گک اس، بسیار ذیق اس ... خوبه ...او کتهِ فامیل دخترم میره، خاله هایش اس، ...و این بچیم که اس تنهاسته، خصوصی اس.

ک: خو خو. اینجه ده کابل ده مکتب خصوصی اس؟

ع: نی ده پروان اس

ک: درست درست. به خاطرِ ... پس از همی که فعال شدین، ده حساب کار و بار افتیدین و ... ایطو احساس می کنی که بعض روابط اجتماعی کُند شده از پیشت، مثلا ضعیف شده. بعض روابط دیگه قوی تر شده. همراهِ بعض کس هایی میشیشتی پیشتر حالی همراه کس های دیگری می نشینی ...یعنی، ایطو احساس می کنی؟

ع: حالی سابق مه کتی فامیل زیاد رفت و آمد داشتم، مثالش فامیل زن یا فامیل خودم. حالی دور شدیم از اوها. چون روزگار سخت آمده، رسیدگی نمیتانم کده، ده کار خودم استم. ازو لحاظ راستی ذیق شده سرم

ک: خو خو، ای به خاطر کار بوده نه به خاطر ...

ع: نی، اقتصاد بوده. یا ضعیف شده یا ای اس که همیطو گپ ها اس که نمیتانم رسیده برشان. کار ...ره که باشه خوب اس. کار نیس [سکته گی]

ک: دوستی و رفاقتت، مثلا، سابق اندیوال هایی داشتی هنوز هم همو رفیق هایت اس

ع: نی نی، مه اندیوال ندارم. مه اندیوال ده ایران داشتم. یکی، دو تیش ... یکیش شهید شده، یکیش اس. هنوزم یگان وخت می بینیم. مه ایطو اندیوال های خاص نداشتم ...او ده اردو آمد، بعد ازو شهید شده بیچاره یک دو سال میشه.

ک: به حساب، مثلا، پیش ازی که کار ره شروع کنی، نو که از ایران آمدی درست؟! ده حساب طرزِ لباس پوشیدن، طرزِ ده داخل اجتماع رفتار کدن ... مثلا، سابق موتر نداشتی، حالی موتر خریدی، یک خانه عادی داشتی، ساده داشتی، حالی یک خانه خیلی مجالل تر جور کدی ... یا برعکس، خانیت مجلل بود رفتی ده خانه ساده تر. ده ای رقم چیزهای که از بیرون مردم بتانن ببینن که یک تغییر ده وضع زندگیت آمده، ...ایطو احساس می کنی که تغییراتی مثلا رخ داده ده حالت های زندگیت؟

ع: طبعا، زیاد رخ داده ولی گپ اینجاس که سابق ...

ک: مثلا ده چی عرصه؟

ع: ده موتر که بود مثالش زندگی ...از اول هم موتر داشتم، مشکل نیس. خو بی موتری هم زیاد تیر کدیم. ده او لحاظ مشکل نیس [یعنی فعلا موتر دارم] طرز لباس، از ایران که آمدم یک سه چهار ماه دمی اجتماع ایران می گشتم اما زبانشه هیچ استفاده نمی کدم چون که ده سر ایران ده مرز که رسیدیم اونجه همو زبانشه اونجه ماندم ... مه خودم پشتون استم و همینجه فارس ... مادرم فارسی زبان اس، فارس اس، مه مکمل از ایران تلفظ هیچ نمی کدم و لباس هایمه تغییر دادم بعد از یک سال. پس لباس های افغانی پوشیدم ...دیگه همیطو یک گپ ها

ک: سی سال ده ایران بودی خودت؟

ع: مه ده سال ده ایران بودم ...البته سابقه ای که ما ده ایران زنگی می کنیم، ده ...سی سال میشه. سی، سی و پنج سال میشه.

ک: خب. ده کدام شهرش اس؟

ع: شهریان، صفادشت.

ک: درست درست. به خاطر تأسیس شرکت از چی نوع روابطی استفاده کردی؟ از خویش و قوم استفاده کردی، یا مثلا از روابط رسمی استفاده کردی، رسما رفتی ده یکجای، ...چون گفتی که شرکت خصوصی اس کاملا، درست؟

ع: ما خودما علاقه داشتیم که پیشرفت کنیم و کاریگر داشته باشیم و روی به ترقی باشیم، ولی ما هیچ چیز نیس، همراه ما کاکایم اس، مشکل نیس، فامیل ماس. دیگه [مکث طولانی] ازی لحاظ، گفتی یگانتا، خرج چند ساله ای ما ...مثالش پیدا و پناه داشتیم، ده افغانستان آیین گشت و خاک.

ک: یعنی کاملا خویش و قوم خودت، برادرهایت بود و ...

ع: مه کاکایم اس ...اینها همراه مه همکار استن.

ک: ده حساب تأسیس مثلا پرداخت پول ده اول، پرداخت سرمایه، سهم گرفتن؟

ع: پرداخت سرمایه، چرا! طبعا کاکایم اس همراهم، خودم استم

ک: خو خو خو. ده حساب، فرض کنیم که تصمیم گیری دارین، فرض کنیم اینی یک فصل نو تولیدی اس، اینی برای سه ماه، یا شش ماه، یا نُه ماه پلان می گیرین که اینقدر تولید ما باید داشته باشیم ...یا به یک ماه یا به دو هفته، درست؟ حتما او برنامه اش پیشتان اس، درست؟

ع: ما نو دیگه [مکث] امسال دیگه یک کمکی گفته یگانته شوه که قرض و وان کنیم از دوستا پیسه بگیریم، تولیده شروع کنیم و پس پیسیشه بتیم. و دیگه یک دو شهرک اس کار می کنیم. دیگه، رویش کار کده راهیستیم. فعلا قرارداد همراهِ مه کده چون که باید ده ریاست برق بره. از پلان مکتوب شوه برای ما و بعد ازو ما اجازهِ کاره داشته باشیم که ما ایجه سرمایه گذاری کنیم. امشاالله که ...

ک: تقسیم اوقات تولیدی تان ایطو مشخص نیس؟!

ع: نی نی. ما مثالش به یکجایی ضرورت میشه یک دو ته، سه ته پایه، یک چیزی، مثال [نفهمیدم] یک چیزی ما تولید می کنیم متنها فروشات نداریم.

ک: ده حساب، وقتی که فروشات داشتین، فابریکه فعال بود، وقتی که یک پروژه پیش میشد که شصت دانه پایه یا هر چیزی دیگی، یا چپلق یا بیسکیت، ای ره، پیش ازی که ای تصمیم گرفته شوه، به حساب تخصیص منابع که اینقدر منبع مثلا بروه بالای ازی بخش، اینقدر پول بالای ماشین مصرف شوه، اینقدر پول بالای ترانسپورت، اینقدر پول بالای ...ازی مقدار منفعتی که حاصلمان میشه باید اینقدرشه معاش کارگر بتیم. در این باره ها شما همراه کی مشوره می گرفتین؟ یا تنها خودت تصمیم می گرفتی؟

ع: همراهِ کاکایم هم بود باز. دوست ما بود، می خاستم شریکش کنم، ازو قرضدار هم ماندیم فعلا که برشکست شدیم. نزدیک یک، یک و نیم لک دالر حالی هم قرضدار هستیم چون تجهیزات ما زیاد اس، کلشه مه به اتویش گرفتم. چون برشکست شدیم حالی هم قرضدار اونها هستم. باز هم پیسیشانه دادنی هستم...دیگه، ما امیدوار هستیم که ما پیشرفت کنیم که ما قرض ازینها را هم داده بتوانیم و اینها همکارم بودن و اینها استفاده دادن از شرکت. رسمی نبودن البته، روی کاغذ کتی ما ده شرکت شراکت داشتن، دوستای ما بودن. دیگه اونها بیچاره هم چیز شدن ... دیگه برشکست شدن، ما هم شدیم. همی تغییرات که 2014، انتخابات و همی چیزها که آمد، ما را بیخی ده زمین شاند. البته پول شخصی از خودم نبوده. چیزی از کاکایم بود، چیزی از خودم بود، چیزی از دوست ما بود. کتی ما همکار بودن.

ک: یعنی روابط دوستی نقش داشت ده این که شرکت ره تأسیس کنین؟

ع: ها، روابط دوستی نقش داشت.

ک: یعنی، هر وقت و ناوقتی همراه کاکایتان و همراه همی دوستتان چی می کدین ... مشوره می کدین ده رابطه به تولید ...؟

ع: طبعا دیگه یک ...

ک: فعال که بود...

ع: فعال که بود می کدیم. فعالیت ما به تباهی ما بود. فعال بودیم، تباه شدیم حالی. خوب، طبعا دیگه، حالی ایناست و ای چیزاست، به درد بخور نیستن دیگه.

ک: کس هایی که کار می کدن ده شرکت همه گی از افغانستان بودن؟

ع: کلش از افغانی بودن. کلش از افغانستان و از محیط و منطقه و ...از دیگه جای نبود. محلی کار می کنیم.

ک: همراه کارگرهای عادی خو هیچ مذاکره نمی کدین، مثلا، مشوره نمی گرفتین از اونها که مثلا ما اینقدر منفعت کدیم، شما نظر...نظرِ شما چی اس ده ای رابطه؟

ع: گپ ایجس که کاریگر هیچ وقت تو ره نمی گه که سیر استی یا گشنه استی ... کاریگر معاششه می طلبه. به تو کار تو کار نداره که تو تاوان می کنی یا فایده می کنی. تاوان می کنی میگه بیه کار نکو. مه میرم ده طرف خانیم تو طرف خانیت

ک: یعنی هیچ گونه ...

ع: نی نی. ما هیچ چیز نداشتیم

ک: ...تشکلی چیزی که بشینی همراشان گپ بزنی

ع: نی نی، اونها بیچارها حقشانه خاسته هستن نمی خواهن ...دیگه ده ای مسایل ها غرض بگیرن

ک: خیلی خوب. چی تعداد کارگر داشتی خودت؟ [نام مصاحبه دهنده] جان، چی تعداد کارگر داشتی زمان که فعال بود شرکت؟

ع: ما نظر به کارگر، روز بیست دانه کارگر داشتیم، سال اول. که ای طول نکشید زیاد. ای ده سه ماه، چهار ماه بود، تولید ما. بعد ازو که به یک اژدهار ما متبدل ...برابر شدیم و تاوان کدیم و پول ما قید شد، دیگه او بیچاره ها دیگه سه ماه زیاد دوام هم نکد. حالا هم استه، یک دو کارمندم اس که همراهم اس. او کدام مشکل نیسته

ک: یعنی ده وقتی که تولید داشتین ده حدود بیست کار ...

ع: بیسته کاریگر داشتیم. بیسته کاریگر داشتم مه

ک: که اینها مقطعی کار می کردن یا نی قرارداد داشتن؟

ع: اینها قرارداد داشتن، اینها. اینها به خودشان کار می کدن.

ک: همراه دیگه شرکت های هم که ده عین شق مصروف بودن خودت هیچ گونه داد و گرفتی، مذکره ای، مشوره ای ...ده قسمت ازی که بازار ده کجا اس و اوضاع سیاسی چی رقم اس. مثلا، مواد خام ارزان از کجا پیدا کنیم، ایطو گپ هایی هم وجود داشته؟

ع: مواد خام خود طبعا افغانستان نداره. غیر ریگ. سمنت ما، فابریکه های ما فعال نبود. سمنت ما فعلا، از پاکستان می آمد. عسکری استفاده می کدیم. و ریگ هم شرکت ها هستن، همکارم بودن، می گرفتیم. ازو کده بهترین ریگ نمی بود ما استفاده می کدیم ده کانکریتش خوبتر بیایه، خاک نداشته باشه، لابراتوار میشد ای. ما حال هم ریگ لابراتوار کدگی داریم که نمیتانستیم ریگ غیر قانونی استفاده کنیم.

ک: منظورم این که همراه کس های دیگی که ده عین چی داشتند ...

ع: او دیگه، یک فابریکه بود. یک فابریکه، یکی دیگه بود. دو ته. او فابرکه ها نسبت به فابریکه مه ضعیفتر استند و قالبش هم استندرد نیستن.

ک: یعنی هیچ گونه نشست و برخاست نداشتین.

ع: نی مه چیزی که تولید می کنم ده افغانستان غیر که ترک ها می کنن، ساخت ترکی اس، یک دو سه فابریکه بود. دو فابریکه بود، ترک بود و چیز بود، ..چی نام داره، پلخمری، و یک فابریکه دیگه خودسازی بود که خودش قالبه ره جور کده بود ده افغانستان. یکی دیگام بود! که اونها ایرانی ها بودن، خودسازی داشتن! همینجه دیزاین کده بودن. ما همراه ازونها کار نداشتیم مستقیم ما خودما تجهیزاته ازونجه تهیه کدیم کار می کدیم. همراه نهادی و چیزی کار نداشتیم.

ک: خو. همراه ای شرکت های دیگه هیچ ...

ع: نی نی. هیچ!

ک: درست. همراه مثلا، در رابطه به تخصیص منابع و مصرف و همی تولیدتان همراه کدام ان.جی.او، همراه دولت یا همراه کدام نهاد غیر تجاری هم ارتباط داشتین؟

ع: نی. هیچ وقتی نداشتیم. فعلا هم نیستم [لبخند]

ک: یعنی هیچ کسی از دولت هم نیامد و نگفت که شما اینجه تولید دارین ما اینجه نیازمندی داریم که شاید بتانیم از تولیدات شما استفاده کنیم. هیچ کسی نامده همی سواله نکده از شما؟

ع: ایطو بود که روز اول ما تولید می کدیم ریاست برق پروان آمد ما ره پیش روی ما ره گرفت که بیادر شما چی می کنی. ما گفتیم ما تولید می کنیم پایه و دیگه ای بسیار چیز کد. زیاد چیز کد، پافشاری که شما باید ما ره باخبر داشته باشین. گفتم طبعا ما شما ره خبر دارم ولی ما که قرادادی هم داریم شخصی که کتش دولت قرار داد داره، ریاست قرارداد داره، او رسمی اس. مشکل نداره. ولی ما هم جواز دارم که تولید می کنم. بی جواز مه ...سال 92 بی جواز نیستم گفتم که مه تولید ..

ک: آیسا رفتی جواز گرفتی

ع: آیسا رفتم. جواز دارم گفتم مه مشکل ندارم. باز گفتم مه، ...تست لابراتوار که اس خودتان تقاضا کنین ما برتان تست کنیم. ما ای تست ... باید شما که ریاست برق هستین که ...ای کیفیت داره یا نداره! مربوط خودتان میشه مربوط ما نمیشه. بیایی بر ما بگویی که برادر ای پایه یتان ناقص اس بیایی ای ره تست کنی. مه همی ره تست می کنم یا ناقص اس یا کامیاب اس. دیگه همی ره باید برای ما شما خودتان بگویی. بعضی ها هم ...دیگه دیدن که گپ رسمی اس، ده کابل اس باز دیگه نیامدن.

ک: همو، خریدارهای عمده شما کی بود؟ شما به اساس یک پروژه تولید می کدین یا این که پیش تولید داشتین ...؟

ع: نی نی. به اساس پروژه اول ما که ای ما تولید می کدیم ده هر بخشی که قراردادی داشت. او وخت آمد بر ما پیشنهادها ره کد و دیگه پرچون نداشتیم. یک چندتا برج های که جور کدیم، خودم که نیاز شده، یک دو سه ته، چهار ته پنج ته، شش ته... تولید کدیم او مشکل اش، خطش جداس.

ک: یعنی معمولا وقتی که سفارش آمده به همو اساس

ع: ما سفارشی نداشتیم که مثالش پنجاه ته و صد ته و ...ایطوری سفارشا نداشتیم. البته خودم به منفعت مردم زیاد کار کدیم. نفع به مردم زیاد رساندیم. ده عرصه شهرک ها. در ضمن که ما زیاد کمک هم کدیم. نزدیک پانزده صد خانه هم همی حالی از چیز مه، از بودجه شخصی خودشان و خودم، برده بردای [بهره برداری] آنه برآمدن. فعلا هم رویش کار می کنیم.

ک: در رابطه به مثلا مصرف منابع، در رابطه به ... همراه همو اجتماعی دور و دو بر هم، همراه مردم محل هم شیشین هیچ وقت؟

یعنی در این رابطه تصمیم گیری همراه مردم محل هم ...هیچ وقتی مثلا همو جامعه ای که در او زندگی می کردین، اونها دخیل بوده اند ده تصمیم گیری یا تصمیم گیری بیشتر انفرادی بوده؟

ع: نی نی. انفرادی بوده. ما خود ما شخصا، خود ما شکر ...دیده استیم، بیرونه، داخله. ایطو نیس که نیاز به کسی داشته باشیم.

ک: پیش ازی که وارد کار شوی خودت، تا فعلا وضع اجتماعیت تغییری می بینی ده این حصه ی که مثلا شامل [زنگ تیلیفون و وقفه] که شامل یک طبقه اجتماعی خوده می دیدی حالی خوده شامل یک طبقه دیگه می بینی ...چون وضع مالی ات تغییر خورده، خودت طبعا احساس می کنی که تو دیگه مربوط به یک طبقه فقیر و نادار و کم دار جامعه نیستی. نیازهایت متفاوت اس، تفریح ات متفاوت اس، ...ایطو یک احساسی برایت ...؟

ع: ده افغانستان که شو ده خانه نان و پیاز هم بخوری، بیرون که برآیی می گن که نی ای مردکه پولدار اس! داره! ده جامعه ای که میری [با پوزخندی در لب]. ولی کسی ...یک ضرب المثل داریم که درون مه ره کشته بیرون مردمه [خنده های بلند]. همی استه ولی باور کو که ایطو روزی شده که مه به فیس مکتب اولادهایم بند شدیم. به مدیر که پیشم بود نمیشد. باور که معاش ازو هم فعلا هم شاید یک چیزی قرضدارش باشم.

ک: یعنی مردم یک تصویری از خودت داره که حتما پیسه داری

ع: ها، که ای حتما همو ده وخت و خیال سابق هستند و کس های که کتی مه می گشت مه میگم ندارم اینها فکر می کنن که نی. ای داره!

به خدا، قسم سرم حق نداری، که دوستایم اس که کتی مه کمک می کنن ...اینه مثالش که بند میشم نی نمیگن. ولی میگن که بیه به امید ای استیم که امشاالله تو پس سر پای میشی مشکل نیس.

ک: خانه خو گفتین که مثل ده جای سابق اس ده همو ...فرض کنیم سابق ده مکروریان زندگی می کدین حالی ده شهر نو زندگی می کنین یا مثلا ده خیرخانه زندگی می کنین یا ده ارزان قیمت زندگی می کنین...؟

ع: مه فعلا هر دو جای کرایی اس. فعلا دو فامیل دارم هر دو جای کرایی اس. فعلا دیگه اقتصاد ما بسیار ضعیف زندگی می کنیم. مثالش، سابق واری نیس دیگه.

ک: بعد از 2014؟

ع: بعد از 2014 بسیار گدودی سر ما آمد. بسیار دیگه.

ک: یکی از دلایلش ای نبود که دیگه تقاضایی بر، از طرف ...شاید بیشتر به نیروهای ائتلاف می فروختین پیش ازو که اونها یک دفعه برآمدن نی، ده اواخر 2014 برآمدن، بیشتر نیروهای خارجی. این هم تـآثیری داشت بالای تقاضا و ...

ع: طبعا دیگه. کس هایی بود فابریکه جور کده بود بعضی ها پیشرفت داشتن. یا یگان کاری، فابریکه ای داشتن کتی ائتلاف شراکت داشتن یا کار داشتن. اونها که برآمدن دیگه بسیار ...خودم نی، اکثر مردم، باور کو که بیسته بادی گارد می داشت حالی تنها پت می گرده. ده ای سطح رسیده کلگی. ولی سرمایه گذاری که اس بسیار سخت اس دیگه کسی خوده

ک: پروژه های که خودتا بیشتر می گرفتین بیشتر از دولت افغانستان بود یا از نیروهای ائتلاف؟

ع: نی نی. شخصی بود کلش. مه کتی شرکت های شخصی بود او کتی دولت کار می کد. مستقیم ما خودم کتی دولت کدام رابطه ای نداشتم.

ک: یعنی خودت سب-کانترکتر بودی؟

ع: امممم [بله؟]. ولی یک قراداد داشتم سرک سازی بود، مستقیم کتی دولت بود. هبیتات بود. که ده او هم دوازده لک روپیه تاوان دادم مه خودم. بخش برآوردش، ملک منطقه یک چیز کده بود، به ما دیگه چیز پروپوزله جور کده بود، باور کو دوازده لک روپیه ... ولی سرکه خوب جور کدم. همیالی میتانی بری. کم ناوردم مقصد خوده برشان. رساندم خوده برشان.

ک: به حساب ای که دوباره شرکته سر پای ایستاد کنی گفتی که دوست ها و رفیق ها گفتن که همکاری می کنن؟

ع: ها. دوست ها و رفیق ها هستن میگن میتانیم کتت همکار شویم و دیگه اگه شد شریک بگیریم به خودما پس ده ای کار. دیگه روی از همی کار فکر کده راهیستیم که امشاالله که میخاهیم که پس کار ما ره فعال کنیم خود ما سر پای شویم. حالی کارها خوب اس ... نسبت به سال های پیش. حالی یک کمی خوب شده.

ک: مردم محل چی رقم می دیدن مثلا، که خودت صاحب یک کار و بار شدی، یک جای رسیدی، ...فضل خدا مثلا وضع زندگیت بهتر شد، مردم محل خوش بود به این که خودت ده یک جای چی شدی ... یا حسادت می ورزیدن یا چی رقم بود؟

ع: نی نی. مه از مردمم خوش هستم. از قومم خوش هستم.

ک: کاملا آزاد می توانی حرف بزنی ...خاطرت راحت

ع: ازو گپ ها بیخی لحاظت جمع باشه. مه ره حمایتم حتا قومم می کنه. مشکل دو نیس. منطقه ِ ما بسیار یک جای ذیق اس. ولی در او عرصه ده همونجه فابریکهِ ما هم اس ولی کلش دست به ادب استن برای مه. حتا بالاتر می بینن مه ره پایان نی.

ک: یکی خو دست به ادب اس. مردم افغانستان خیلی تعارفیس نی. ده روی خیلی خنده می کنن و دیگه ...

ع: [لبخند] اوطو چیز ندارم مه کتی کسی.

ک: مثلا یک جوان دیگه احساس حسادت کده باشه

ع: هیچ هیچ. تا امروزه امشاالله کسی پیش رویمه ایستاد نیسته و نی میشه. چون مه خودم بچه بسیار چیز استم ... کتی کسی برخورد زشت و ایطو چیز ندارم.

ک: منظور این بود که ما مثلا برخورد زشت نداریم اما یک کسی دیگی ...

ع: نی نی. تا ای وقت خو هیچ کس به ما ممانعت نکده که کار نکو و نی گفته که کار کو یا داری یا نداری. تا امروز کسی به مه نشده.

ک: نشنیدی هم از کسی که ...؟

ع: خو!!! [چرا نه!] مه یک قصانه اس که میگه یگان وخت که اگه نان خوبشم پخته کنی، یکی ره ده عروسی بتی، میگه فلانه اینطو ... همی متل های افغانستان اس دیگه [خنده] پشت سر هر کسی هر چی م کنه

ک: همو ره مه میگم. یعنی موفقیت خودته یک کسی دیده نتانسته باشه

ع: نی نی. انشاالله که مه ده ای عرصه چیزی ره ندیدیم.

ک: این بر مه از خاطری جالب اس که عکس العمل مردم به مه ...ای هم جزء تحقیق اس.

ع: ایطور اس خو اجتماع استه، نمیشه. هستن، جنگل اس. مه نمیتانم گفته. شاید کسی باشه که ده پشت سرم بگویه، دو [دشنام] دیه یا مثلا کمین گرفته باشه مه ره بزنه نتانسته. او ره مه گفته نمیتانم.

ک: نی او خو. کمین و او گپ های خشونت آمیز خو ده جایش ...

منظور این که یعنی خودت ...آدم یک یک، همین که داخل میشی یک جای می فهمی که نفر سابق ها کلگی با صداقت می آمد یک خنده ای یا یک چیزی می کد ...

ع: حالی هم می کنن. کتی مه ده وطن مردم بسیار خوب اس. البته مثالش مسجد جور می کنن سرک جور می کنن یک کاری می کنن مه ده خدمتشان هستم [سکته گی طولانی] اگه خودم نداشته باشم از دوستایم می گیرم به مسجدشان کمک می کنن. ایطوری مه برایشان خوش استم. ازونهاهم و اونها از مه خوش استن.

ک: دیدگاه خودت نسبت به این که همی فابریکه تولیدی که داری همی ره پابرچا نگه کنی، صحیح اس؟ بستیش نکنی، سرمایه ایته به جایی دیگری انتقال نتی، چی رقم اس؟

ع: مه خوش استم تا فعلا هم که ای ره نگه داشتیم به امید ای استم که خوب شوم. بهتر شوم. به امید ازی نیستم که مه برشکست شوم.

ک: دلیلش چی اس، چرا امیدوار استی؟

ع: چون همیطو همی دلِ ما میگه، همیطو گواهی میطه. دیگه سر خود عقیده هم دارم که میشه امشاالله ما ازی بحران برآییم.

ک: یعنی، خُب یکی خو آدم دلش یک گپه می زنه ولی بازار دیگه رقم اس

ع: نی از مه یک رقم اس. به چند دفعه آمدن کرندها ره بفروش، آیینه بفروش، مکسرها ره بفروش ...حتا مه یک خس ره هم تا به حاله، هر چی نیستی آمده یک خسمه هم نفروختیم.

ک: صحیح صحیح. یعنی دلیل ازی که ای ره حفظ کدی بیشتر ای نیس که صاحب درآمد باشی کدام گپ دیگه ای اس؟

ع: نی نی. امید اس که ما خوب شویم بهتر شویم.

ک: ده آینده؟

ع: ده آینده! مثالش ای فابریکه ره فعلا داریم میشه که تغییر بتیم دیگه بخش تولیدی داشته باشیم دیگه تولید. امشاالله که رویش فکر کده راهی هستیم.

ک: این که مثلا، وضع کشور چی رقم اس، وضع مملکت [مثلا] حالی ها شهرک جور میشه یک وقتی شاید شهرک جور نشه؟

ع: شهرک خو استه. به هر حال می فهمیم که شهرک سازی ها زیاد اس. و فعلا هم که ما ره نگه کده شهرک ها استه که ما کار می کنیم ده بینش. کار برقشه می کنیم. از او لحاظ امیدوار استیم که خوب شویم.

ک: یک امیدوار امیطو چی اس دیگه ...!

ع: بیخی همی ره به مه کلان ها گفته که باید صبر و حوصله و شکرانه گی خدا را باید داشته باشی.

ک: به حساب، فرض کنیم بعد از یک پروژه درآمد خودت اس صد افغانستان. حدس می زنیم، درست؟ تخمینا از همی چند فیصدشه شما معاش کارگرها میتین؟ همیطو تخمینی از لحاظ ...

ع: ما مثال صد روپیه عاید داریم ده صد روپیه عاید پنجاه فیصد ازی، شصت فیصد ازی به کاریگر و به ای چیزهاس

ک: مصروف کار میشه؟

ع: مصرف کار و اینها میشه! کارمندها... و ایطو تا امروز هم مه فایده ای ندیدیدم که مه ده جیبم انداخته باشم و پیشرفته باشم. همو کاری کدیم فعلا ده همی شرایط ها ... همیقه کدیم که روزم تا امروز چلیده.

ک: مثلا یک کارگر عادی ده یک ماه معاشش چقه می باشه ده اوسط؟

ع: دوازده هزار، ده هزار...

ک: یک پایه ره یا یک بیسکیته یا یک کوکاکولا را شما چقه می فروشین مثلا؟

ع: چی ره؟

ک: همی چیزی ره که تولید می کنین؟

ع: تولید می کنیم ما مثالش ما هشت روپیه می خریم ... هشت روپیه به ما تمام میشه، ده رویپه می فروشیم. که یک و نیم روپیه ازی دوباره کرایه دکان و ای ... یک نیم روپیه که بانه او هم به زندگی خودما اس. مصرف اس. ایطو عایدی هم نیس ده ای افغانستان که تو فکر کنی ما هشت روپیه بگیریم شانزده روپیه بفروشیم، ایطوری نیس

ک: یعنی ده حدود یک تا بیست فیصده معاش از همی مثلا فرض کنیم؟

ع: [بله] کارمند فیس داره. جایداد اس و این اس ...

ک: ده حساب مواد خام داخلی، فرض کنیم پنجاه افغانی ره خودت مواد خام می خری. همی سنمت و رگ و ... ده همی مصرف چقدر ازی از داخل اس؟ از تولیدگرهای داخلی اس؟

ع: از ما فعلا مکمل سیخ و ...سیخ اس که از بیرون می گیریم. ریگ از همینجه اس. فعلا از سمنت وطن هم کم استفاده می کنیم. ده پروژه ای که نو داریم کم تر. ولی امیدوار هستم مه خودم کتی رییس برق...سمنت جبل السراج گپ زدیم گفته که اگه تو فابریکه ره فعال کنی مه ماهانه سهمیه میتیم اینجه. اگه از ...دیگه ببینیم که اگه کارما شروع شوه کوشش می کنیم که از وطن چی بکنیم

ک: یعنی تا به حالی ده حدود مثلا شصت تا هشتاد فیصد یا هشتاد تا صد فیصد مصارف مواد خام از بیرون می آمده؟

ع: شصت فیصدش فعلا از بیرون اس، چهل فیصدش از داخل.

ک: ده ای رابطه خو گفتین که مدیر ارقام وجود داره که چقه مصرف شده بالای مواد خام و ...ای گپ ها

ع: او هسته. مشکل ده ای استه که از سال های 92 اس و ...فعلا که داریم گفته یگانتا او مصارفی اس که سر چاه و ته چاه اس. ده ای سه سال و چهار سال که ما مصارف می کنیم. ای سر چاه و ته چاه اس. مصارف اس و خوب عایدی هم داریم. خوب عایدی نیس که وضع ما ره خوب کنه.

ک: از حساب استخدام کارگرها خودت ...مثلا در ولایت پروان از اقوام مختلف زندگی می کنن، درست؟ تفکیکی قایل میشی بین کارگری که از اقوام خودت باشه استخدام کنی. ای ره فقط به خاطر کنجکاوی پرسان می کنم.

ع: نی. نی. مه کلش. از هر جای مثال مه ده پروان کار می کنم. حتا پشه ای آمده کار کده کتی مه. پشتون آمده. هزاره آمده. مه ده ای عرصه هیچ مشکل ندارم. و بودن هم از غوربند بودن امدین کار کدین. نمیگم که از مرکز پروان آمده. ازی لحاظ مه هیچ چیز ندارم. کاریگر کاریگر اس. کار کنه برای ما تفاوت نداره که ...غیر خارجی، وطن استفاده کدیم. کارمندهای وطنی داشتیم.

ک: از همو گفتین که ده افغانی که بفروشین، هشت تمام شوه ده بفروشین، صحیح اس؟ خوب این که یک تخمین اس. معمولا دو افغانی نیس مفاد. شاید یک افغانی باشه، شاید سه افغانی باشه، شاید هیچ نباشه و به نقص بفروشین.

ع: ایطور اس که ما هشت روپیه تولید می کنیم یا دو روپیه می گیریم ای تولید ما زمانگیر اس مثالش هر روز نیس. مثال امروز ما یک بخشی ره تولید کدیم ای می مانه. می مانه، یک ماه بعد، دو ماه بعد ای فروشات می آیه. پس که محاسبه می کنیم ما سر و نوک هستیم. تاوان هم داریم حتا.

ک: به نظر خودت همی، فرض کنیم همی دو افغانی مفاد شد درست؟ از همی دو افغانی چند فیصدشه دوباره بالای همی شرکت مصرف می کنین؟

ع: مه که تا فعلا هر چی ...عایدی هم نداشتم ازی ولی باز هم دارم هم روی ای شرکت مصرف کده رایی هستیم. بل برق اس مثالش، چوکی دار اس و کرایه جایداد اس و دیگه اینها کلش مصارف اس دیگه و طبقعا نمیشه که ما ده جیبمان بندازیم

ک: سرمایه گذاری اول که کدی خودت درست؟ مثلا بعض سرمایه گذاری های اس که

ع: متوسط اس ...

ک: بعضی چیزهایی ره آدم ده اول می خره که او چی نیس قابل انتقال نیس. همی مصارف شما ده چی حد بود، چقدر مصرف کدین ده همو اول؟

ع: ما ده حدود سه صد میلیون تومن که بی ارزش هم اس...یگانته بگویه که ای دالر و افغانی [خنده] ... ما فعلا تجهیزات ما شده

ک: ده همو اول که خریدین؟

ع: ای قالب ها و تجهیزات ما اس. و دیگه چاه و حیاط اوجه بود و دیگه مکسرها اس و کرندها اس ...و اینها ره خریدیم.

ک: و این قالب ها و کرن ها و مکسرها به هیچ کاری دیگی به درد نمی خوره و فقط به همی ...؟

ع: می خوره. مکسر، کرندها خو به وزن اس و مسکرها به مخلوط تولید اس و دستگاه دیگه داریم که به حساب خار کدنِ آیین اس. قیچی می کنه هر رقم آیینی که باشه هم غار می کنه ...به هر لحاظ کار میته. ایطور نیس که تنها ده بخش پایه کار بته

ک: یعنی همی تجارتی که فعلا همی تولیدی که فعلا خودت داری، ای ره میتانی تغییر بتی یک کار دیگر کنی؟

ع: میتانم مشکل نداره. ده بخش ساختمان هم می تانیم ...ده بخش پایه هم میتانیم ...ده بخش هرچیزی که بگویی

ک: اینطور هم شده که تولید کده باشی و مانده باشه ده گدام؟

ع: نی.

ک: یعنی همیشه به اساس یک پروژه تولید کدی

ع: به اساس جایی که کار داشتیم کدیم و فروشاتی غیر خودم نداشتیم

ک: ایطور کسی دیگی هم با خودت رقابت داشته ده حساب تولید همی چیزی که تولیدی می کنی ده بازار داخلی؟

ع: نی.

ک: بیشتر ده کجاها به فروش رسیده تولیدات؟

ع: تولیداتم بیشتر ده پروان اس.

ک: ده خود پروان به فروش رسیده؟

ع: اونجه اس. بعض جاها نقطه های کابل هم کار کدیم. ده شهرک ها اس تولید ما.

ک: یعنی عرضه همو مواد تولیدی ات بیشتر ده پروان و ده کابل متمرکز بوده؟

ع: ده کابل اس ها، دیگه جای نیس.

ک: قسمی که پیش‌تر گفتم، ده افغانستان ... نفر نه امنیت است و نه حمایه دولت است، تعرفه پایین است، واردات خیلی زیاد است. چی باعث میشه که نفر، چرا تولید می‌کنه؟ دلیل چیست؟

ع: در این عرصه ما گفتیم افغانستان بهتر میشه ما آمدیم سرمایه گذاری کردیم. و ما که می فهمیدیم که ما حمایت نمیشیم و کارما به بحران میره، پیسه‌ی ما ره ناق ما اینجه بند کدیم و همی پولی هم که ما داشتیم ده هموجه، مثالش غریبی کرده بودیم ده ایران او ره آوردیم اینجه سرمایه گذاری کردیم. دوست های دیگی ما هم کتی خود ما خراب کدیم. دیگه ...قرض...قرضدار هم شد او اندیوال هایم و ما هم. دیگه ده ضمن اگه همی پیسه ده جیب ما می بود بهتر بود نی ...نه ده سرمایه گذاری می کدیم که تا امروز ده بحران هستیم.

ک: همین که میگی "پوله بند کدیم"، نی؟ ذهنا، همین که میگی پول بند شده که پول رفت پشتِ کارش؟

ع: رفت دیگه! آیینِ کهنه گشته و خاک گشته. دیگه کدام چیزی نیس که ... همی حالی آیین کهنه ره ما و شما ...مثالش یک قالب به مه سه هزار تمام شده ببرمش پنج صد دالر هم نخد نمی کنه. به امید ازی بود که مه ای ره به یک چیزی می سازم به وطنم یا به نفع جیبم. نه که بیایه خاک سرش بنشینه و ای ره موریانه بزنه و خاک بخوره.

ک: دلیلش هم او چی بود ... گفتی که کسی که بد ... وعده خلافی کد یا ...؟

ع: وعده خلافی. پیسه‌ی ما ره به وخت نداد، تاوان کدیم. مثالش، ... جنسی ره که تولید می کدیم او یک چیز میخاست ما دیگه چیز میخاستیم تولید کنیم. ده ای عرصه ها ده اوغانستان باید غلط باشی و پیشرفت کنی! یا دزدی کنی. از حق همان چیزی که تولید می کنی باید بزنی. ارزان باید ...کیفیت کار باید پایان بیاری.

ک: راضی هستی از این که ده تولید سرمایه گذاری کدی؟

ع: نی

ک: اگه مثلا همو پولی که قبلا داشتی، همو پس ده دستت بیایه، ده بخش خدمات سرمایه گذاری می کنی یا ده تولید.

ع: مه بخش ...تولید خو اعتبار نیس ده ای اوغانستان. برشکست‌ات می کنه. ده هر لحاظ، ده هر چیزی که باشه. بخش خدمات خوب اس.

ک: خی این که ناامید هم که هستی چرا باز هم میگی که همی شرکت باز هم پابرجا بمانه؟

ع: حالی که اس سربند خطا خورده، دیگه ...پیشتر برت گفتم که مه سر هزار دالر یک قالب خریدیم. همی حالی پنج صد دالر هم به مه نقد نمی کنه. مکسره مثالش گرفتیم هفت هزار دالر، حالی به مه دو هزار دالر نقد نمی کنه.

ک: یعنی هدفت از این که بند مانده پیسه از همی اس؟

ع: ها دیگه ...خلاص اس! راهی دیگه نیس

ک: یعنی ده همی مسیر باید خوده بیاندازی ؟!

ع: ده یک جایی که پس روزگار بچله ...ایطور روزگاری هم نیس که تو بگویی که ما ازی پیشرفت کنیم. ولی به نظر مه که دولت خوب شوه امنیت باشه هیچ گپی نیس. میتانیم کار گرفته ازی کار. ولی او تجهیزاتی که حال ما داریم کلش متآسفانه خاک اس دیگه ... زنگ زده و چیز اس.